

جای خالی

همایش‌های علمی درباره هیأت

حجت‌الاسلام محمدمهدی ماندگاری، کارشناس دینی درباره برگزاری دومین همایش علمی هیأت و آیین‌های مذهبی و با اشاره به این‌که هیأت پرکات بسیاری دارد، گفت: هیأت یکی از بهترین دانشگاه‌ها و بهترین پناهگاه‌ها و یکی از باسابقه‌ترین تجمعات دینی است. وی افزود: امام‌های علیه‌السلام در زیارت جامعه می‌فرمایند: *بِطَوَالِیکُمُ عَلَمُنَا...*، معالِمِ دیننا و اُصْلَحِ ماکانِ فَسَدِ مِن دُنْیَانَا، خداوند به ولایت شما، نشانه‌های روشن دین

را به ما آموخت و آنچه را از دنیای مان تباه شده بود، اصلاح کرد. ماندگاری گفت: برای این‌که هم مردم، هم مبلغان، هم شاعران، هم مداحان، هم خادمان و بانیان مجالس برکت و خدمات هیأت و عظمت و جایگاه آن را بدانند، حتما بر همه دلسوزان لازم است تا همایش‌هایی برای تبیین جایگاه، دستاوردها و بایسته‌های هیأت برگزار شود. این کارشناس مذهبی تصریح کرد: جای این همایش‌ها در جامعه ما خالی است. همه دانشگاهیان،

پای صحبت دختری نشستیم که عشقش به حضرت عباس^(ع) او را «سقا دلیری» کرد

با خاک مسجد باب الحوائج، حسینی شدم



آذر عباسی خبرنگار از زنجان

کلمه به کلمه حرف‌های او برابرم مصداق این شعر بود: من بچه پایین این شهرم/ یک عمر باعشق تو خو کردم/ از هر کسی هر جادلم بر بود/ برگشتم و پیش تو رو کردم/ این روزها حالم بده آقا/ حس می‌کنم سرتا به پا دردم... شرح حال دختر جوان و خادم اهل بیت(ع) که کل زمان مصاحبه و گزارشم پشت تلفن گریه می‌کرد و صدای لرزان او نشان از دل گرفته و پر اضطرابش داشت. حس این‌که در جنگ نفسانی، بین درون و بیرون خود و دل آشوبی کارهای دنیوی باشی و دستی از غیب تو را به آرامش برساند حتما عالی خواهد بود. حس این‌که تمام توان تو را، عمر تو را، عمل تو را در بازار عشق کسی خریدار باشد و پرای آن برکتی بی نهایت بر تو نوسل تو بدهند، عالی خواهد بود و تو در برابر این لطف‌ها فقط بایستی، خلوص نیت داشته باشی و حضور قلب به محضرشان پیشکش کنی. خادمی یکی از همان لطف‌ها و عنایت‌های بی‌انتهایی است‌که بر فردی اعطا می‌شود. معنا و مفهوم این مقام صرفا در آستانه اهل بیت(ع) ترجمه می‌شود و خریدار دارد.

یاسمن رضایی یکی از هزاران خادم شهر ما زنجان است که در دستگاه امام حسین(ع) فعالیت می‌کند. او را سال‌هاست در هیأت حیدریون زنجان می‌بینم. ولی به‌طور اتفاقی در یکی از جلسات و روضه‌های خانگی که مشغول تهیه گزارش بودم، دوباره او را دیدم و آشنایی ما از همانجا شروع شد. در نگاه اول دختری با قد بلند، چهره‌ای زیبا و ظاهری به‌روز که در کمال ادب و وقار بود و در محافل که با هم بودیم شیطنت‌ها و شلوغ‌کاری دخترانه خودش را داشت. با افراد نزدیک، خلقی خوش و شوخ‌طبی مختص خودش را داشت و دوستان مشترک‌مان او را به شکل‌های مختلفی تبرایم معرفی کرده بودند. این‌که او دختری مجرد است، خیاط ماهری است، لباس مجلسی و مانتو و عباهای زیبایی می‌دوزد و این‌که او خادم حرم حضرت ابوالفضل(ع) است، زمانی که قرار شد از خادمی او به‌عنوان موضوع گزارشم نام ببرم چیزی‌هایی می‌شنیدم که برابرم باور نکردنی بود. برخلاف ظاهرش که سن بالای می‌زد او فقط ۲۶ سال داشت. پدرش را در دوران نوزادی از دست داده بود و از همه مهم‌تر با دست خالی سرفه‌دار بود و هیأت‌ها و مراسم‌های مختلفی را در طول سال برگزار می‌کرد.

ایام محرم که تزیافک کاری خادمین هیأت‌ها و مساجد بالاست و هم‌زمان با آخر ماه سفر و ایام اربعین و شهادت حضرات معصومین علیهم‌السلام، تردد به حرم‌های شریف نخب، کربلا، مشهد و قم بیشتر می‌شود و من هم برای این‌که بتوانم با خانم رضایی گفت‌وگویی داشته باشم منتظر اتمام این ایام شدم. وی ضمن اشاره به خاطره‌ای که مادرشان پرایش تعریف کرده، می‌گوید: عشق من به حضرت عباس(ع)، از همان بچگی و از قنداق‌ام به من رسیده است و چیزی دست خود من نیست. زمانی که پدرم برای ساخت مسجد باب‌الحوائج محله در آنجا مشغول بود، مادرم هم برای همراهی و کمک می‌رفتند و پدر مرا بین خاک آجر می‌گذاشت و این را مادرم همیشه می‌گوید که تو را همان خاک

مکتب

آرزوی پرواز تا نجف و کربلا

از او سراغ خواسته‌هایش را گرفتم و گفت: خیلی آرزو دارم... یکی از آنها «دیده‌ای خواه‌م که باشد شه‌شناس/ تا شناسد شاه را در هر لباس». دومین آرزویم این است آن قدر پول داشته باشم که با پرواز به سفر کربلا بروم. برای من که دختر هستم و تک‌وتنها ماهی یک‌بار به صورت زمینی و با اذیت فراوان این سفر را می‌روم، خیلی خوب می‌شود که سفر هوایی برابرم فراهم گردد. سوم این‌که در شهر کربلا خانه داشته باشم و مادرم را هم با خودم ببرم و خدا قسمت کند دوباره به سوریه و حرم حضرت‌قیه(س) بروم؛ البته سال پیش با نذر یک خانم، اولین سفرم به سوریه را تجربه کردم.



حاج سیدمحمد ماجدی، پیروغلام و روضه‌خوان ۸۴ساله شرق تهران، روی شانه‌های مردم به خانه ابدی‌اش در بهشت زهرا(س) رهسپار شد. حاج سیدمحمد ماجدی که ۲۳ مهر از دنیا رفت، با حضور ده‌ها نفر از پیروغلامان،

ذاکران، شاعران و مردم شرق تهران از منزلش تشییع شد. در این مراسم، پیروغلامان و مداحانی چون حاج‌مهدی آصفی، حاج سیداحمد هاشمی و... حضور داشتند و خیل جمعیت شایعیت‌کننده باعث بسته‌شدن خیابان‌های هم‌جوار منزل مرحوم ماجدی شد.

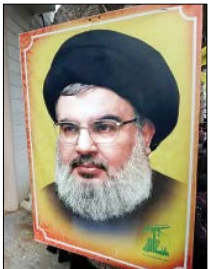
مردم پس از قرائت زیارت عاشورا و مداحی در کنار پیکر، او را تا مسجد قمر بنی‌هاشم(ع)

تشییع کردند و سپس عازم بهشت زهرا(س) شدند تا مرحوم ماجدی را در قطعه ۳۰۱ (روضه‌الحسین) که مخصوص ذاکران اابعبدا... (ع) است به خاک بسپارند. حاج

سیدمحمد ماجدی، پیروغلام کاشانی‌الاصل از شاگردان مرحوم حاج‌علی آهی و

حاج عزیزا... مبارکی بود که حدود ۶۶سال سابقه نوکری و شیدایی در آستان مقدس

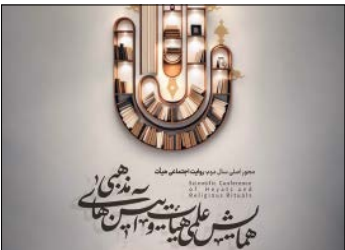
سیدالشهدا(ع) داشت.



باتمام امکانات از لبنان و فلسطین دفاع می‌کنیم

تولیت آستان مقدس مسجد جمکران با اشاره به فرمان مقام معظم رهبری مبنی بر کمک به جبهه مقاومت اظهار کرد: لبنانی‌ها بدانند اگر ما دو عدد نان داشته باشیم، یکی را به آنها می‌دهیم و دیگری را برای خودمان برمی‌داریم. حجت‌الاسلام سید علی اکبر اجاق‌نژاد در مراسم بزرگداشت سیدمقاومت شهید سیدحسن نصرا... که با حضور جمعی از روحانیون مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم در آستان مقدس مسجد جمکران برگزار شد، با اشاره به آیه شریف «ذالک الکتاب لا ریب فیه هُدًی للثَّقین» اظهار کرد: خدای متعال در این آیه می‌فرماید کسانی که حقیقت را می‌پذیرند اهل تقوا هستند و شرط تقوا پذیرفتن حقیقت است. در نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپایی، بعد از اینکه رهبری به آنها می‌نویسد شما درطرف درست تاریخ ایستاده‌اید، در ادامه به آنها می‌فرماید که شما را به آشنایی قرآن توصیه می‌کنم. حجت‌الاسلام اجاق‌نژاد تصریح کرد: وظیفه‌ای بزرگ در بحث رسانه روی دوش‌مان است، یعنی باید حقایق دینی را به مردمان عالم برسانیم.

حوزویان و دلسوزان این عرصه، اگر دوست دارند هیأت با تمام برکاتش عمق پیدا کند، تکثیر شود و تداوم یابد، باید برای رونق این‌گونه همایش‌ها تلاش کنند. دومین همایش علمی هیأت و آیین‌های مذهبی به همت مرکز تخصصی احیا امر یا همکاری اندیشکده هیأت با موضوع اصلی روایت اجتماعی هیأت برگزار می‌شود. این همایش ۱۸ بهمن ماه برگزار می‌شود و مقالات هم باید تا ۲۰ آبان ماه به دبیرخانه ارسال شود.



برش

ماجرای پیرزن خوش‌قلب و دیوانه سقا

طی گفت‌وگوهایی که در فضای مجازی و تلفنی با هم داشتیم درخواست کردم از خانواده، کار و فعالیت‌های خود در هیأت‌های مختلف و دغدغه‌هایش بگویند و چیزی که او مگر را تا کید می‌کرد این بود: من عاشق حضرت عباس(ع) هستم و دیوانه وار او را دوست دارم و از این رو به من لقب «سقا دلیری» (دیوانه سقا) دادند... وقتی از او دلیل این عنوان را پرسیدم، گفت: چند سال پیش یادوستان در هیأت حیدریون مشغول عزاداری و عرض ارادت به ساحت حضرت عباس(ع) بودیم که وسط مراسم از شدت لطمه‌زدن بدون اختیار در مجلس کمی بی‌حال شدم؛ همان‌جا یک پیرزنی اهل دل با لب‌بالاسر من آمد و باکلی التماس دعا گفت: «دخترم،

خوش به سعادت و تو واقعا سقا دلیری هستی.

از آن به بعد این عنوان و لقب به من نسبت داده شد و دوستان و آشنایان مرا با

این لقب صدامی‌زنند و

می‌شناسند.



وی درباره خادمی در حرم حضرت عباس(ع) نیز داستانی جالب دارد که این‌گونه تعریف می‌کند: روزی در حرم حضرت عباس(ع) نشسته بودم و یک زائر حاجتمندی بودند که خیلی شلوغ می‌کردند و خادمین حرم نمی‌توانستند او را آرام کنند. وقتی خواستم کمک‌حال باشم و کنار آنها ایستاده بودم، زائر به یک‌باره سیلی محکمی به صورت من زد و این را متولیان حرم از دور بین‌ها دیده بودند. دعوتم کردند و از همانجا به من اجازه حضور و خادمی در حرم حضرت عباس(ع) را اعطا کردند.

رضایی در ادامه می‌گوید: واقعیتش من خادم نیستم. خادمی کلمه مقدسی است. کسانی می‌توانند خادم این دربار باشند که کار و عمل‌شان خیلی درست باشد. من گرد پای خادمان اهل بیت(ع) هم نیستم؛ فقط در نهایت امر شاید سهم من خدمتگزاری روضه‌هایشان باشد. از طرفی زیاد دنبال ثواب نیستم و برای گرفتن حاجت کار نمی‌کنم، بلکه همه تلاشم برای رسیدن به نگاه و رضایت آنها از رفتار و اعمالم است.

برای همین زیر سایه خادمی، همیشه دنبال کارهایی هستم که کمتر کسی سراغ آن می‌رود و با شاید خودم هم در روزهای عادی و مواقع معمول آن کار را انجام ندهم و وسواس خاصی داشته باشم. به‌طورمثال شستن سرویس بهداشتی و جمع‌آوری زباله‌ها در کربلا و شهر خودمان را انجام می‌دهم و ذکر لیم همیشه این است و می‌گویم: «من به‌خاطر دوست‌داشتن تو هر کاری می‌کنم که تو فقط نگاهم کنی...»

او خیلی از حرف‌هایش را در دلش نگه می‌دارد. خیلی از فایل‌های صوتی‌اش را پاک کرد. حرف‌های سرپسته زیاد زده شد که خودش دوست نداشت گفته شود، ولی از رفتارها و عملکرد افراد و اطرافیان خیلی گله داشت و دائم به‌خاطر اذیت‌هایی که شده بود و قضاوت دیگران اشک می‌ریخت و ناراحت بود و بارها یا خودش تکرار می‌کرد و می‌گفت: هرکسی جای من بودکم می‌آورد. من دراین شهر خیلی اذیت شدم. من بچه پایین این شهرم و خانه‌و جایی که در آن زندگی می‌کنم از مناطق مستضعف‌نشین محسوب می‌شود و حتی درآمدم هم خیلی پایین است، ولی عاشقانه این راه را دوست دارم و ادامه می‌دهم. یاسمن رضایی از روی خیلی از حرف‌ها گذشت و اجازه نداد بیان شود.

هیأت

HE Y A T

دوشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۳ ۶۸۸۶ شماره

مباح

مطرب‌ی که نابغه مداح‌ی شد



حسن محمدی دولابی استاد قصیده‌خوانی، در روزگاری اشعار روحوضی می‌خواند و به تعبیر برخی حتی اهل مطربی هم بود اما بعد از حضور در مراسم عزاداری امام حسین(ع) توبه می‌کند و مدح اهل بیت رامی‌خواند.

یکی از شاخص‌ترین مداحان تاریخ دولاب، جوان که بود در کوچه‌پس‌کوچه‌های دولاب اشعار روحوضی می‌خوانده و به‌تعبیر برخی حتی اهل مطربی هم بود، اما بعد از حضور در مجالس عزاداری امام حسین(ع) توبه کرد و تا آخرین روزهای عمرش در مدح اهل بیت(ع) می‌خواند. از حسن محمدی دولابی می‌گویم که به‌عنوان نابغه مداحی شناخته می‌شد. او بلافاصله بعد از وعظ آیتا... و حید خراسانی، مطلب او را به نظم برای مردم می‌خواند. حاج حسن، حافظه شعری بسیاری خوبی داشت که زمانزد مردم بود.

شاهکار حاج حسن در شمیران

مهدی گلشنش یکی از مداحان دولاب درباره سبک و شیوه مداحی او می‌گوید: «حاج حسن حافظه عجیبی داشت و اسطوره قصیده‌خوانی بود. نقل است که ۶۰ شب در هیأت‌های شمیران مداحی کرد و هر شب یک قصیده جدید خواند. این یک اتفاق بی‌سابقه‌است که مداحی ۶۰شب بدون قصیده‌تکراری مداحی کند. حاج حسن، دستی هم در قصیده‌سرایی داشت و به‌خاطر اشعار و قصیده‌های آموزنده‌ای که می‌خواند، لقب مرشد را به‌او داده بودند... حسن محمدی دولابی سال ۱۳۰۱ هجری شمسی به دنیاآمد. او را به‌محفوظات بالای شری از جمله هزاران قصیده طولانی می‌شناختند. مشهور است که او اگر سال‌ها در هیأتی، عرض ارادت و نوکری به خاندان عصمت می‌کرد، یک شعر تکراری نمی‌خواند. مرحوم حجت‌الاسلام سید ابوالقاسم شجاعی در این باره می‌گفت: «اولین سطر منبرهای مرحوم حاج حسن محمدی دولابی را چهار سال ثبت کردم و هیچ سطر ی را در این مدت تکراری نخواند، یعنی هر مرتبه یک شعر جدید خواند.»

شعر تکراری نمی‌خواند

با پیغام خداحافظی می‌کرد تا حرف صله نشود. با اینکه بعد از ورود به عرصه مداحی و ذاکری آل... شغلی نداشت و امور زندگی‌اش با صله مداحی می‌گذشت، اما اهل پاکت نبود. امیر محمدی دولابی، برادرزاده‌اش می‌گوید: «عموم همیشه تعریف می‌کرد که شب آخر جلساتش خداحافظی‌اش را با پیغام انجام می‌داد تا مبدا حرف از پاکت و صله به‌همان بیاید.» او استاد بسیاری از پیروغلامان شاخص این روزهای کشور است که شاید سرآمد آنها را حاج‌مهدی آصفی بتوان معرفی کرد که خود از منظر حافظه شعری بسیار غنی‌است. برادرزاده‌اش می‌گوید: «او کلاس مداحی نداشت، بلکه این شاگردان همچون استاد آصفی به منزل عموی مامی‌آمدند و گویی کلاس خصوصی داشت.»

او را بدون عبا ندیدند

مرحوم دولابی در نوع پوشش و رعایت حدودحدود مداحی بسیار دقت داشت، طوری‌که هیچ‌گاه در خیابان بدون عبا که لباس مشهور و معروف روضه‌خوان‌ها محسوب می‌شد، حاضر نمی‌شد و این امروز در میان شاگردانش هم مشهود است. حاج مهدی آصفی از شاگردان او می‌گوید: «استاد ما را کسی بدون عبا ندیده بود... حتی وقتی زنبیل دست می‌گرفت و به سبزی‌فروشی خیابان زیبا (محل زندگی‌اش) می‌رفت، حتما پالتوی بلند می‌پوشید و عبا می‌انداخت.» او استاد موسیقی بود و در زمان رژیم پهلوی به او پیشنهاد می‌دهند که برای رادیو و تلویزیون اذان بگویند اما به‌دلیل بی‌بندوباری‌های موجود در محیط استودیوها، او و جمع دیگری به‌تبعیت از سیدمهدی قوام تصمیم گرفته بودند با رادیو همکاری نکنند.

قاب



یک‌سال از فراق مداح حرم امام رضا(ع) گذشت

مهرماه سال گذشته پیروغلام سرشناس مشهدی سیدجعفر ماهرخسار که سال‌ها در حرم امام رضا(ع) مداحی کرده بود، درگذشت. پیروغلام سرشناس مشهدی سیدجعفر ماهرخسار ۵۵سال سابقه مداحی در حرم علی‌بن موسی‌الرضا(ع) و بیش از ۳۵سال مداحی در مکه و مدینه را داشت. متولد سال ۱۳۲۵ در روستای ابیره از توابع مشهد بود و بعد از خواندن کلاس ششم ابتدایی، تحصیل در حوزه علمیه را آغاز کرده بود.

او می‌گفت: از همان ابتدا که گاهی در جلسات، خدمت مقام معظم رهبری می‌رسیدیم، ایشان تاکیدشان بر این بود که شعر خوب حفظ کنید و اشعارتان بی‌محتوا نباشد....